

متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم
شماره ۱، (پیاپی ۱۷) بهار ۱۳۹۲، ص ۴۴-۲۹

هویت انسان در پنج‌گنج نظامی گنجوی

رامین محرمی* - اعظم سروری**

چکیده

این پژوهش از نوع تحلیل محتواست که به تحلیل دیدگاه نظامی دربارهٔ هویت فردی، اجتماعی و آرمانی انسان در پنج‌گنج می‌پردازد. نظامی متفکری آرمان‌گراست که شعر را در خدمت رهایی انسان از مدینهٔ جاهله و دست یافتن به مدینهٔ فاضله قرار داده است. پنج‌گنج، آینهٔ تمام‌نمای شخصیت نظامی است که شاعر در آن غیر از جذبۀ عشق و زهد، متوجه جلوه‌های گوناگون حیثیت و عظمت گوهر انسانی بوده است. او در سیمای قهرمانان قصه‌هایش هویت انسان آرمانی را به تصویر کشیده و از باز نمود واقع‌نمایانهٔ ویژگی‌های هویتی قهرمانان داستان‌هایش پرهیز کرده و بیشتر یک تیپ از افراد را در نظر گرفته است. تپیی که در معرفی آن‌ها، با برجسته‌سازی آرمانی، هر لحظه کمالی به کمالات قبلی آنان می‌افزاید. در واقع او هر قهرمانی که خلق می‌کند؛ الگویی تازه، پیش روی انسان‌ها می‌گذارد؛ تا از سرنوشت آن‌ها عبرت بگیرند و به خودسازی بپردازند و در نهایت به کمال انسانی دست یابند. او علاوه بر نشان دادن هویت فردی انسان، هویت اجتماعی و آرمانی (الهی) او را نیز به تصویر کشیده است. در «پنج‌گنج» انسان کامل گاه هویت دینی دارد، گاه حکیم است، و گاه انسان عاشقی است که عشق زمینی در او شکلی متعالی‌تری پیدا می‌کند، طوری که هویت عارفانه به او می‌بخشد.

واژه‌های کلیدی

نظامی، پنج‌گنج، انسان، هویت، آرمان‌گرایی، کمال‌طلبی

مقدمه

هویت همان «خودی» ماست که در پاسخ سؤال «من کیستم؟» می‌آید و امری سیال و متغیر است. هویت از طریق نظام‌های فرهنگی، خصوصاً ادبیات، شکل می‌گیرد. هویت ساختهٔ عده‌ای خاص نیست؛ بلکه محصول مشارکت آحاد مردم است و در طول زمان شکل می‌گیرد. «هیچ هویت بنیادین در کار نیست و قدرت در هر عصری، هویت آدمی را رقم می‌زند. این رویکرد به خاطر قائل نشدن یک گوهر ثابت برای هویت در تقابل با روی‌کرد جوهر‌گرایانه قرار

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسندهٔ مسئول) moharami@uma.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی Mahsa_m1221@yahoo.com

می‌گیرد؛ پس در واقع جریان‌های هویت، ما را هم‌چون فضا‌های رنگارنگی در بر گرفته است و در واقع کارناوال متحرکی است که همواره با جریان‌هایی ارتباط دارد؛ که مخاطب‌شان قرار می‌گیرد» (علی اکبری، ۱۳۸۴: ۳۲۱).

انسان دارای یک جنبه فیزیکی و یک جنبه روحی است؛ لذا شناخت هویت انسانی هنگامی میسر خواهد بود که انسان در تمام موقعیتش و با تمام توان‌مندی‌هایش و در گستره عظیم چشم‌اندازهایش ادراک شود. دنیای شرق و غرب انسان واحد آمیخته شده از روح و ماده را به دو نیمه رقیب هم تقسیم کرده، طوری که غرب تلاش‌های دردناک روح خویش را با فرو رفتن در دنیای مادی فراموش می‌کند و شرق با برگزیدن روح و بد و پلشت دانستن ماده، در بینوایی و فلاکت به سر می‌برد. در حالی که هویت انسان تلفیقی از روح و ماده است و این هویت قابل تقسیم نیست و بتنهایی نیز شکل نمی‌گیرد. «حقیقت ذاتی دنیا در وحدت اصیل خود باقی مانده و منتظر است وجدان بشری متحوّل شده و به جای اعتقاد به یک بعد وجود بشر و انکار دیگری، به سمت پذیرش هر دو عامل به عنوان یک واحد سازنده پیش رود» (یونگ، ۱۳۸۵: ۳۶).

شعر و ادبیات یکی از جلوه‌گاه‌های هویت‌ساز در میان ملت‌هاست. هویت در نظر گرفته شده برای انسان در ادبیات ما، در پی آن است تا علو روح بشر را بنمایاند و نشان دهد که آدمی چگونه قادر است، از خویشتن خویش بیرون آید و به دنیا پشت پا زند، مادیات را نفی کند و با وارستگی غبطه‌انگیزی به معنویت ناب پیوندد و راه فنا در پیش بگیرد تا به بقا و جاودانگی برسد. «از آنجا که ادبیات ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد، برارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، ساخت‌های طبقاتی، تعلیم و تعلم شیوه‌های درست زندگی و به طور کلی شیوه‌های نگرش بر جهان تأثیر بسزایی دارد» (حلبی، ۱۳۷۴: ۱۳۰).

نظامی به عنوان متفکری مسلمان و آگاه، برای ساختن جامعه آرمانی، به هر سه بُعد وجود انسان یعنی: اخلاق فردی و تزکیه نفس، حیات اجتماعی و تعامل با هم‌نوعان و صفات معنوی و روحانی انسان توجه نشان داده است؛ زیرا برای تکوین جامعه آرمانی، انسان ابتدا باید به تزکیه نفس و پاکی اخلاق نایل شده و فضایل وجود خود را کامل و رذایل را از آن دور کرده باشد تا بتواند در حیات اجتماعی با دیگران به نیکی، عدالت و حکمت رفتار کند و آن‌گاه برای رسیدن به کمال و دست یافتن به حیات طیبه با استفاده از فضایل فردی و جمعی به تقویت بُعد روحانی و الهی خود پردازد و صفات معنوی وجود خود نظیر: خرد، دل، جان و... را بالفعل سازد و به جای پیروی از خواهش‌های نفسانی به پیروی از عقل و وحی پردازد. در صورتی که سه بُعد وجود انسان مطابق حکمت دینی اصلاح و کامل گردد جامعه آرمانی ظهور خواهد یافت؛ لذا او در پنج گنج به هر سه بُعد وجود انسان توجه نشان داده و به تعریف انسان و صفات معنوی او پرداخته است.

پیشینه تحقیق

تا حالا کتاب و مقاله مستقلی درباره هویت انسان در آثار نظامی نوشته نشده؛ اما در برخی از کتب و مقاله‌ها به طور جزئی به هویت انسان نیز اشاره شده است. اغلب این آثار به انسان آرمانی و آرمانشهر نظامی توجه نشان داده‌اند؛ اما مقاله حاضر عناصر تشکیل دهنده هویت انسان و ابعاد هویتی او را مورد بحث و تحلیل قرار داده است. کتاب‌ها و مقالاتی که در بعضی از مباحث با موضوع این مقاله اشتراک دارند عبارتند از:

- ۱- بهروز ثروتیان در کتاب «آئینه غیب نظامی گنجه‌ای»، و «اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای»، در مورد جایگاه انسان در آفرینش و صفات معنوی وجود بحث مختصری کرده است.
- ۲- سعید حمیدیان در کتاب «آرمان شهر زیبایی»، به موضوع قهرمانان و ضد قهرمانان و تیپ‌های شخصیتی داستان‌های نظامی و تناقض موجود در شخصیت‌های داستانی نظامی پرداخته است و بیشتر در مورد هنر داستان‌پردازی نظامی و زیبایی بیان او بحث کرده است.
- ۳- اسحاق طغیانی و حافظ حاتمی در مقاله «رابطه اخلاق و ادبیات با رویگری به آثار نظامی گنجه‌ای»، به موضوع هویت فردی انسان از دیدگاه نظامی پرداخته و در مورد جایگاه و ارزش زن در اندیشه نظامی هم بحث کرده‌اند.
- ۴- محمدحسین کرمی و زینب نوروزی در مقاله «اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه نظامی»، به تحلیل آرمانشهر اسکندرنامه نظامی و به نقش و جایگاه پادشاه و صفات معنوی وجود او در این آرمانشهر پرداخته‌اند.
- ۵- عبدالحسین زرین‌کوب، در کتاب «پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد»، (۱۳۷۷)، و کتاب «با کاروان اندیشه» تهران، جامعه آرمانی از دیدگاه نظامی را تشریح و تحلیل کرده‌اند.
- ۶- مایکل بری، در کتاب «تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی»، ترجمه جلال علوی‌نیا، به تحلیل هفت پیکر نظامی و شرح و تفسیر جایگاه زنان در اصلاح فرد و جامعه و خلق جامعه انسانی پرداخته است.
علاوه بر منابع مذکور، در سایر کتاب‌ها و مقاله‌ها نیز به طور مختصر و گذرا، مطالبی درباره انسان و بخصوص جایگاه زنان در اندیشه نظامی، بیان شده است؛ اما مقاله حاضر به هویت فردی، اجتماعی و آرمانی (الهی) انسان پرداخته و دیدگاه نظامی را درباره انسان و صفات معنوی او تحلیل و تشریح کرده و از منابع دیگر نیز برای مستند ساختن تحلیل‌های خود بهره برده است.

سؤالات تحقیق

مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که نظامی گنجوی چه نگرش و تفکری درباره هویت انسانی انسان دارد و چه صفات معنوی را برای تکوین هویت انسان لازم و ضروری می‌داند؟ او کدام ابعاد وجود انسان را مورد توجه قرار داده است و اصلاح و کمال آن ابعاد را برای شکل‌گیری هویت انسان لازم می‌داند؟ در اندیشه نظامی زنان به عنوان بخشی از جامعه انسانی چه نقش و هویتی دارند؟ در آرمان‌شهر نظامی، نماد انسان آرمانی چه کسانی هستند و چه ویژگی‌های روحانی و اخلاقی دارند؟

اهداف تحقیق

الف: این پژوهش درصدد تشریح، تفسیر و تحلیل نگرش نظامی درباره مقام و هویت انسانی انسان در منظومه نظامی است.
ب: هدف دوم تحقیق، تشریح هویت الهی، آرمانی، اجتماعی و فردی انسان از دیدگاه نظامی گنجوی است.
ج: هدف سوم تبیین و تشریح این موضوع است که نظامی کسب کدام صفات دینی و اخلاقی را برای رسیدن به مقام انسان آرمانی و الهی توصیه می‌کند تا با کسب آن فضائل بتواند وجود خود را تزکیه و شایسته حیات اجتماعی کند و آن‌گاه با رفتار و تعامل نیک با دیگران بتواند جامعه آرمانی و الهی را بنیان بگذارد.

ضرورت تحقیق

با آنکه درباره نظامی کتاب‌ها و مقاله‌های ارزشمندی تا حالا نوشته شده است؛ ولی به نگرش او درباره انسان و هویت او زیاد پرداخته نشده است. انسان در آثار نظامی مقام والایی دارد و نازنین آفرینش نامیده شده است؛ زیرا هدف غایی آفرینش است و عنصر اصلی جامعه آرمانی او را که نظامی در همه آثار خود به دنبال یافتن آن است، انسان‌ها تشکیل می‌دهند؛ لذا این مقاله درصدد روشن ساختن جایگاه و ارزش انسان در اندیشه و جامعه آرمانی نظامی است.

هویت انسان از دیدگاه نظامی

شعر نظامی با وجود برخورداری از مایه‌های عقیدتی و دینی، عرفانی، اخلاقی، حکمی و زاهدانه و حتی کلامی، می‌تواند بستر مناسبی برای چالش‌های انسان‌شناسی باشد؛ زیرا هویت‌های گوناگون ساخته ذهن شاعر که به دلیل فراوانی دانسته‌های وی کم هم نیستند، از یک سو در اثبات باورهای او و از سوی دیگر در شناساندن انسان آرمانی و جامعه ایده‌آل او مؤثر واقع خواهند شد. یکی از عمده‌ترین دلایل موفقیت نظامی، در ساختن هویتی قابل توجه از قهرمانان داستان‌هایش، تناقضی است که در رفتار و خصوصیت فردی و اجتماعی ایشان محسوس است. «نظامی، وارث درون مایه‌های نیرومند شعر جهت‌دار اخلاقی و عرفانی از سویی، و بیان سرشار از اظهار علم و فضل از سویی دیگر است که جمع آمدن این ویژگی‌های مغایر یکدیگر، مجموعه‌ای از تضادها و تناقض‌ها را در پنج گنج او پدید آورده است» (حمیدیان، ۱۳۷۳: ۱۲).

تضاد و تناقض در توصیف و تجسم شخصیت‌های انسانی داستان‌های نظامی بیشتر به چشم می‌خورد؛ زیرا وی در روح آرمانی، شخصیت و هویتی که برای قهرمانان خود در نظر می‌گیرد؛ آنها را در نوع خود، یک قهرمان بی‌خلل و مطلق توصیف می‌کند؛ طوری که در مستی، هوشیارند، عدالتشان علاوه بر رعیت، حتی بر حیوانات هم شامل می‌شود، عشق مجازی مانع روح مسئولیت و فعالیت آنها نمی‌شود و هزاران ویژگی دیگر که هیچ کدام نسبی نیستند. این قهرمانان اگر عیب و نقص اندکی هم داشته باشند، در طول داستان چنان متحول می‌شوند که از شری که بدان موصوفند، به خیر مطلق می‌گرایند.

نظامی، چه در بیان امور بیرونی و چه در توصیف دقیق و عمیق عوالم درونی هویت‌های قصه‌هایش، مطابق عادت، به دنبال خلق زیبایی و ظرافت مطلق می‌گردد. او دوست دارد، هر گونه ویژگی آرمانی را قطع نظر از تناسب یا عدم تناسب آن با هویت شخصیت مورد نظرش، برای وی قائل شود و او را در نوع خود بی‌نظیر نشان دهد. «نظامی حتی گاهی به جای بیان دقیق انگیزه‌های واقعی و مشخص قهرمان، سعی در تأویل آنها دارد؛ به نحوی که هیچ مغایرتی با روح مطلق سازی وی نداشته باشد. ماجرای زهر خوراندن شیرین به مریم نمونه بارزی از چشم پوشی‌های شاعر در مقابل حقیقت، برای مطلق نشان دادن قهرمانش می‌باشد» (حمیدیان، ۱۳۷۳: ۱۶۱).

برای مثال بزرگ‌نمایی که در توصیف شخصیت مجنون به کار رفته، نمونه‌ای از اندیشه قهرمان سازی و آرمان‌گرایی

اوست:

سلطان سریر صبیح خیزان	سر خیل سپاه اشک ریزان
متوازی راه دل نوازی	زنجیری کوی عشق بازی

قانون مغنیان بغداد بیع معاملات فریاد
(نظامی، ۱۳۸۷: ۳۸۹)

انسان در اندیشه نظامی موجودی است ستایش برانگیز، با استعدادی بی پایان و هیأتی ستودنی که اگر در کردار، چونان فرشته عمل کند و در فهم و ادراک خدای گونه گردد، مایه زیبایی عالم و فخر موجودات خواهد شد. وی، هوش و ذکاوت و هنر انسان را عمیقاً باور دارد و آن را عمده‌ترین وجه تمایز آدمی با سایر موجودات می‌داند. برای همین از فضیلت علم سخن می‌گوید و از مقدمه مخزن الاسرار که در شأن و مرتبت آدمی سخن گفته، چنین به نظر می‌رسد؛ نظامی در پی آن است که اشرف مخلوق بودن انسان را به او متذکر شود: وی بر این باور است که وجود آدمی از دو عنصر «زمینی و خاکی و آسمانی و علوی» یعنی: جسم و جان یا تن و روان تشکیل یافته است. از این رو تلاش کرده، تا با کلام شاعرانه خود، پرده از چهره دوگانه آدمی بردارد. نظامی وجود ظاهری انسان را چیزی نمی‌داند، مگر مقداری خاک و قطره‌ای آب، برای همین دوست دارد، بُعد متعالی وجود او را نیز به تصویر بکشد.

کفی خاکم و قطره‌ای آب شست ز نر ماده‌ای آفریده نخست
ز پروردگی‌های پروردگار به آنجا رسیدم سرانجام کار
(نظامی، ۱۳۸۷: ۱۱۴۷)

به طور کلی در اندیشه نظامی، انسان در محور و مرکز قرار دارد و همه پدیدارها به سوی او و همگام با او و در ارتباط مستقیم با او در حرکت است، در واقع او از تمامی وقایع و امکانات بهره برده تا انسان را متوجه بُعد روحانی‌اش ساخته و به کمال واقعی خویش برساند. «از نظر نظامی روان انسان همچو آینه است که به مناسبت حرص دنیا و شهوت و گناه کاری زنگار می‌پذیرد و از نمودار پروردگار خارج می‌شود و بر خلاف فطرت عمل می‌کند، تلاش نظامی در زدودن این زنگارهاست» (ثروت، ۱۳۷۸: ۹۰).

نظامی به خاطر داشتن تفکر آرمانی، ضمن انصراف از ابتذال و فساد عصر خویش، بیشتر به دنبال نمونه‌های کامل انسانی که جامعه‌اش، روز به روز از آن فاصله می‌گرفت، بوده است و شاید اصلی‌ترین دلیلی که هویت‌های ساخته شده توسط وی در داستان‌هایش، در نوع خود، یک انسان بی خلل و مطلق توصیف شده‌اند، همین باشد. گویی شاعر رماتیک گنجه می‌خواسته چهره آرمانی را که در عالم واقع نیافته است، در لابه لای اشعارش بیافریند و به همین منظور از بازنمود واقع نمایانه ویژگی‌های هویتی قهرمانان داستان‌هایش پرهیز کرده و بیشتر یک تیپ و سنخ از افراد را در نظر گرفته است. تیپی که در معرفی آن‌ها، با یک برجسته‌سازی آرمانی هر لحظه کمالی به کمالات قبلی‌شان می‌افزاید. «در داستان‌های نظامی، مطابق معمول در سنت داستان پردازی فارسی «سنخ type» مطرح است، نه «شخصیت Characte». در «سنخ» خصوصیات مشترک در میان یک سنخ به صورت کلی مطرح می‌شود و در شخصیت، هر فرد با ویژگی‌های نفسانی و ممیزه‌هایش نسبت به دیگران جلوه می‌کند» (حمیدیان، ۱۳۷۳: ۱۶۱).

قهرمانان نظامی از بهرام گرفته تا اسکندر، لیلی و مجنون، خسرو پرویز و فرهاد، همه و همه نمونه‌هایی از مطلق‌سازی یک تیپ یا سنخ هستند که در نوع خود بی نظیر نمایانده شده‌اند. طوری که هیچ کدام از ویژگی‌های ایشان نسبی نیست: دلاوری مطلق، عاشق پیشگی مطلق، هوس‌بازی مطلق، عفاف مطلق، حکمت و هوشیاری مطلق و حتی زشت‌خویی مطلق. این‌ها تنها ویژگی‌هاییست که در هر کدام از قهرمانان سراغ داریم.

شاعر متدیّن و متشّرع، در گنجینه خود به دنبال الگوی انسان کامل و مدینه فاضله افلاطونی است و این یگانه هدفی است که او از همان اولین مقالات مخزن الاسرار تا پایان عمر، مقارن با اتمام اسکندرنامه، دنبال کرده است. «خمسّه، در واقع مراحل جستجویی بود که ذهن شاعر در تکاپوی وصول به یک مدینه فاضله، از مخزن الاسرار شروع کرده و تا انتهای اسکندر نامه پیش روی داشته است» (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۴۰).

از آنجا که، هویت، امری پویا است، بنابراین هویت‌هایی که نقش قهرمانان خمسّه را دارند، نیز از این قاعده، مستثنی نیستند. در کنار این اصل، چون روح آرمان‌خواه شاعر هم سعی در رساندن انسان به کمال واقعی‌اش دارد، این شخصیت‌ها در طول داستان دست‌خوش تغییر و تحولات عمده‌ای می‌شوند. تا در راستای هدف اصلی شاعر که همان رسیدن به مدینه فاضله است، قرار بگیرند. برای مثال: هویتی که برای «خسرو» در داستان «خسرو و شیرین» در نظر گرفته شده است، چنان تغییر می‌کند که در نهایت، تناقضی را که در برابر هویت تقریباً با صلابت «شیرین» در طول داستان از خود نشان می‌دهد، برطرف کند؛ طوری که «شیرین» بعد از او، عقبی را به دنیا ترجیح می‌دهد.

نظامی در هویت‌هایی که آفریده، متأثر از دانسته‌ها و باورهای خود بوده است. حتی در مواردی که قهرمانان داستانش هویت حکیمانه، و یا دینی پیدا می‌کنند و به تبیین امور می‌پردازند، گویی خود نظامی هویت ایشان را تسخیر می‌کند و به عبارتی دیگر: قهرمان کسی نیست جز نظامی؛ پس این نظامی است که قهرمانان «پنج گنج» را به هر سو که می‌خواهد، برمی‌گرداند و هویت آنها را تغییر می‌دهد و در پی رسیدن به انسان ایده‌آلش، هر خصوصیتی را که می‌پسندد، به آنها نسبت می‌دهد. «قهرمانان اصلی داستان‌های وی به مجسمه‌ای از پیش ساخته و مفرغی می‌ماند که دست هنرمند با حوصله و دقت تمام در کوره حوادث می‌گدازد و ماده مذاب را در قالب بینش فلسفی خاص خویش می‌ریزد و در همین مرحله با شتاب و تردستی حیرت‌انگیزی به باد تند پند و اندرز و آب سرد چشمه حکمت منجمد می‌کند» (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۸۴).

نظامی، در «پنج گنج» خود از هر گونه انسانی بحث می‌کند، و با استفاده از بار معنایی مختلف، در عینیت بخشیدن به ذهنیت‌های خود در مورد خصوصیات قهرمانانش، در خلق انواع تیپ‌ها، اهتمام ورزیده است. چنانچه در «پنج گنج» انسان کامل گاه هویت دینی دارد، گاه حکیم است و هویت فلسفی دارد، و گاه انسان عاشقی است که عشق زمینی در وجود او شکلی متعالی‌تر پیدا می‌کند، طوری که هویت عارفانه به او می‌دهد.

در نظر نظامی انسان‌ها به علت دو بعدی بودن وجودشان، هویتی خاکستری دارند که او با تغییرات محسوسی که در طی داستان در شخصیت ایشان ایجاد می‌کند، باعث می‌شود تا قهرمان به سوی کمال واقعی‌اش گام بردارد و هویت خاکستری‌اش به سپیدی بزند. شاعر هم چنین انسانی را که گرفتار دروغ و ریاست، دارای هویتی تیره‌تر می‌داند؛ زیرا نقطه‌های سیاه وجودیش سبب کدر شدن هستی او شده‌اند. نظامی سفارش کرده که بایست از این انسان‌ها دوری گزید. «ناگفته نماند نظامی در کنار قهرمان و انسان کامل، با رعایت عفت کلام از ریا، دروغ، ادعا، نادانی و صدها رذیله دیگر انسان پست شکوه می‌کند و گوشه‌گیری را به آمیزش با او ترجیح می‌دهد» (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۲۷۲).

نظامی سعی دارد، انسان متعالی و متعادل، از نظر فردی، و مفید، از نظر اجتماعی را معرفی کند؛ زیرا او، برای ساختن جامعه آرمانی انسانهای آرمانی می‌خواهد که مزین به زیور حکمت و اخلاق باشند. «انسان کامل انسانی است که قوت مخیله‌اش کمال یافته و به صورت و مرتبت حکمت و اخلاق در وی به فعل در آمده باشد و به استناد آن در وقت خواب یا بیداری حتی به جزئیات امور بپردازد بنفسه» (فارابی، ۱۳۶۱: ۱۲۲).

نگاه نظامی به هویت فردی انسان

در نظر نظامی، وجود آدمی از تن و روان تشکیل یافته است و هر یک از این عناصر، ویژگی‌های مخصوص به خود را دارا هستند و به اقتضای هر کدام، انسان در کشاکش دائمی نیازهای جسمانی و روحانی قرار دارد و خارج شدن از حد اعتدال در هر کدام از این نیازها، باعث سقوط آدمی می‌شود.

نظامی در پی آن است که اصالت و گوهر حقیقی آدمی را به او بازشناساند و به این ترتیب او را به طبیعت اصلی خویش بازگرداند، و در نظر وی، این جز با دست کشیدن از نیازهای زمینی و پاسخ گفتن به نیازهای روحانی - البته با رعایت شرط اعتدال - ممکن نیست. «در نظر نظامی دو عنصر خاکی و علوی سازنده وجود آدمی است و به اقتضای هر کدام از این دو نیروی متضاد که هرگز باهم سر سازگاری ندارند و یکی موجب سعادت و دیگری باعث شقاوت است، انسان گرفتار کشاکشی ابدی است. از این رو وی برآن است تا راه درست و مطابق با فطرت نخستین بشر را به او نشان دهد و روحش را که وابسته ملاً اعلی است به منشأ اصلی آن برساند» (ثروتیان، ۱۳۸۱: ۸۳).

به نظر نظامی، در ورای این چهره مغبون و خاکی آدمی، چهره‌ای تابناک و روحانی هم نهفته است. پس یادآوری می‌کند که بشر اشرف مخلوقات است و تمامی خلقت از برای او در عرصه وجود آمده‌اند و این که، پیش از خلق همه حیات، زمانی که بنیاد عشق نهاده شد، انسان اولین موجودی بود که، پذیرای آن گشت و نان عشق را تناول کرد:

این دو سه مرکب که به زین کرده‌اند	از پی ما دست‌گـزین کرده‌اند
پیشتر از جنـبش این تازگان	نو سفـران و کهن آوازگان
پایگه عشق نه ما کرده‌ایم؟	دستکش عشق نه ما خورده‌ایم؟

(نظامی، ۱۳۸۷: ۵۲)

نظامی می‌خواهد به انسان بقبولاند که متمایز از همه موجودات، و دارای هویتی منحصر به فرد است:

ای به زمین بر، چو فلک نازنین	ناز کشت هم فلک و هم زمین
کار تو زانجا که خـیر داشتی	برتر از آن شد که تو پنداشتی

(همان، ۵۵)

با وجود اعتقاد نظامی به حیرت عقل در عظمت هستی و عدم قدرت آن در شناخت ذات باری تعالی، یکی از ممیزه‌های واقعی انسان را از حیوان، عقل می‌داند. «خرد برترین وجه تمایز انسان با حیوان، در جمله‌ای از "دکارت" فیلسوف فرانسوی چنین آمده: «من فکر می‌کنم؛ پس هستم.» که مؤید اصالت بعد فکری آدمی در متمایز ساختن هویت او از سایر موجودات و یادآور نظر «مولانا جلال‌الدین بلخی» عارف مسلمان ایرانی می‌باشد (رزمجو: ۱۳۷۵: ۱۲)، همان گونه که مولوی می‌گوید:

ای برادر تو همان اندیشه‌ای	مابقی خود استخوان و ریشه‌ای
گر گل است اندیشه ی تو، گلشنی	ور بود خاری، تو همیشه گلخنی

(مولوی، ۱۳۷۵: ۲/۵۳)

از نظر او، پرداختن به حکمت و دانش اندوزی، متخلّق شدن به فضایل و کوشش در رفع و دفع رذایل، موجب سعادت واقعی آدمی می‌شود. این سعادت باعث انبساط خاطر او شده و در نتیجه سلامت مادی، روانی و تنی را برایش به ارمغان خواهد آورد؛ ولی آن چه از نظر این شاعر اهمیت فراوانی در هدایت انسان به سوی کمال داراست؛ «دل» است.

نور ادیمت ز سهیل دل است صورت و جان هر دو طفیل دل است

(نظامی، ۱۳۸۷: ۲۶)

به عقیده وی، کسانی که به مرتبه ارجمند «صاحب دلی» رسیده‌اند، اگر چه خلقت ایشان از خاک و گل است، ولی جسمشان به اندازه‌ای پاک و صاف و لطیف است که وجودی ارزشمند چون گوهر دارند. «نظامی مشرب عرفانی دارد. به دریافت‌های دل بیش از استدلال‌های عقل توجه می‌کند و در شناساندن جلوه‌های مردانگی، از عاطفه سرشار و عشق بی‌کرانه‌ی خویش مدد می‌گیرد (راشد محصل، ۱۳۶۹: ۸۷).

ما که ز صاحب خیران دلیم گوهریم ارچه ز کان گلیم

(نظامی، ۱۳۸۷: ۶۱)

شاعر قلمرو دل و جان انسان را عالمی می‌یابد که قابلیت‌های فراوانی دارد و اگر چنان چه با ریاضت و تهذیب و تزکیه قرین گردد؛ کمال انسانی مطلوب و مقصود را به دنبال خواهد داشت و سبب تکوین جامعه آرمانی خواهد شد. «نظامی در تبیین دل، پایه آرمان‌شهر و مدینه فاضله انسانی مطلوب خود را بنا نهاده است؛ جایی با صفا، صمیمی، زیبا، راحت و با عیش تمام که به دنبال زحمت و ریاضت فراوان و در نتیجه نوعی پرورش وجود جسمانی و با کمک عشق غیرزمینی به دست آمده است» (فلاح، ۱۳۸۸: ۶۰).

نظامی برای بیان هویت فردی انسان به آغاز آفرینش نظر می‌اندازد و با تقریر مرتبه آدم و اهمیت مقام او در عالم می‌پردازد و ضمن اشاره به مقام خلافت الهی او، از گناه و توبه‌اش نیز یاد می‌کند و به این وسیله به انسان خاطر نشان می‌سازد که هوس‌ناکی امری نکوهیده است و باعث اصلی هبوط انسان از اوج افلاک می‌باشد:

باز پسین طفل پری زادگان	پیش‌ترین بشری زادگان
آن به خلافت علم آراسته	چون علم افتاده و برخاسته
«علم آدم» صفت پاک اوست	«خمر طینه» شرف خاک اوست...
چون ز پی دانه هوس ناک شد	مقطع این مزرعه خاک شد

(نظامی، ۱۳۸۷: ۳۶)

شاعر، در مقاله هفتم مخزن‌الاسرار ضمن یادآوری فضیلت آدمی بر دیگر موجودات، لازمه آن را توجه به عالم دل و سعی در ریاضت نفس دانسته است:

جانورانی که غلام تواند	مـرغ علف خواره‌ی دام تواند
چون تو همایی شرف کار باش	کم خور و کم گوی و کم آزار باش...
قدر دل و پایه‌ی جان یافتن	جـز به ریاضت نتوان یافتن
سیم طبایع به ریاضت شمار	زر طبیعت به ریاضت سپار
تا ز ریاضت به مقامی رسی	کت به کسی در کشد این ناکسی

(همان، ۵۶)

از نظر شاعر حکیم، خرد، دوست و یاری پنهانی است. اگر کسی خرد داشته باشد؛ گویی همه چیز دارد و در غیر آن، آدمی صورتی دیونهاد است:

هر کسی را نهفته، یاری هست	دوستی هست و دوستداری هست
خرد است آن کز او رسد یاری	همه داری اگر خرد داری
هر کس داد خرد نداند داد	آدمی صورت است و دیو نهاد

(همان، ۵۵۴)

از نظر او، زمانی دروازه‌های معرفت به روی آدمی گشوده خواهد شد که، وی نخست خود را بشناسد و اشتراکی معنوی بین خرد و روح ایجاد کند:

تو بر افروختی درون دماغ	خوردی تابناک تر ز چراغ
با همه زیرکی که در خردست	بی خود از تو و به جای خودست
چون خرد در ره تو پی گردد	گرد ایمن کار وهم کی گردد

(همان، ۵۳۷)

با این شرط که توفیق و عنایت الهی نیز با موارد مذکور همراه گردد:

توفیق تو گر نه ره نماید	این عقده به عقل کی گشاید؟
-------------------------	---------------------------

(همان، ۳۵۲)

هویت زن از دیدگاه نظامی

هویتی که نظامی برای زن به عنوان یک انسان در نظر گرفته، هویتی در خور توجه است؛ زیرا وی برخلاف دیدگاه مردم عصرش که زن را فقط به دلیل زن بودنش محکوم می‌دانستند، هویتی والا برای زنان در نظر گرفته است. «جنبه‌های مثبت در کار نظامی، در رویارویی با زنان بیش‌تر از جهات منفی و محدودیت‌های مرسوم آن زمان علیه ایشان می‌باشد. در واقع نگاه نظامی به زن، در یک جامعه مرد سالار، مخالف با باورهای ابناء زمان است» (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۱۱۲).

وی علاوه بر توصیف زیبایی و جذابیت ظاهری زنان قصه‌هایش، یک سیر صعودی و متعالی برای ایشان متصور می‌شود که تأثیر آن در کل داستان، غیر قابل انکار است. «نظامی به گونه دیگر به زنان می‌نگرد: شخصیت‌های زن او سواى اینکه تمثیل‌های الهی هستند، هرگز نقاب خالی نیستند. در زنجیره صعودی دنیای او، واقعیت‌های مرئی زنان، بی‌گمان زیبایی والای الهی را منعکس می‌کنند» (بری، ۱۳۸۵: ۱۶۲). نظامی، زنان را مکمل هویت مردان دانسته؛ از این رو در کنار هر قهرمان مرد، این مظهر زیبایی را قرار داده تا نقش تربیتی و انسان‌سازی خود را در مورد مردان ایفا کند. دیدگاه او نسبت به زن، با دیگر معاصرانش تفاوت فاحشی دارد؛ زیرا در داستان‌های او زنان نقش قهرمان، اصلاح‌گر و آگاه از حقایق را بازی می‌کنند و به تربیت و اصلاح مردان می‌پردازند، چنانکه شیرین، خسرو را با مفهوم عشق و وفاداری و هفت دختر شاهان هفت اقلیم، بهرام‌گور را با حقیقت حیات و لذایذ روحانی آشنا می‌سازند. یا لیلی علیه سنت‌های غلط جامعه طغیان می‌کند و زیر بار آن نمی‌رود و نوشابه نیز آرمانشهر زنان را بنیان می‌نهد. «انتخاب قهرمان اصلی داستان‌هایش از میان زنان، نشانه اهمیت و عنایتی است که به تأثیر سازنده آنان می‌دهد و در قسمت «به پادشاهی نشستن شیرین» زنان را شایسته اداره مملکت و تکیه دادن بر بالاترین جایگاه حکومت می‌داند (طغیانی، ۱۳۹۰: ۷۷).

تلاش نظامی در دادن ارزش به زن، هم شان یا حتی بالاتر از مرد، تا جایی ادامه می‌یابد که وی زنان را هم آماده تبدیل شدن به یک تیپ می‌کند؛ به عنوان مثال در خلق تمثال «شیرین» چنان هنرنمایی می‌کند که این شخصیت مورد علاقه شاعر در آخر تبدیل به سالکی می‌گردد که جان در راه عشق فدا می‌کند. «نگرش آرمانی نظامی به زنان در واقع صرف نظر از تلقی عرفی و سنتی ایشان، موجب باز آفرینی آرمانی شان شده و آنها را مثل اعلائی خلقت ساخته است؛ طوری که زن در این نگرش، مربی، مادر، سیاستمدار و حکیم هست و حتی برخی از صفات مردان را هم داراست» (جودی نعمتی، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

چنین بینشی در مورد زن، با وجود خفقان حاکم بر زمان حیات شاعر قابل تقدیر است؛ زیرا نظامی با شجاعت تمام از کلاسیک‌های هم پایه خود، پا فراتر گذاشته و می‌گوید:

زن آن به که زیور کشد پای او نه زن دان که زندان بود جای او

(نظامی، ۱۳۸۷: ۶۶۱)

بالاخره، نظامی در ایجاد الگویی از یک هویت نمونه فردی، داشتن ویژگی‌های اخلاقی دیگری را مثل: بلند هم‌تی، ضرورت ترک دنیا، تجرید از علایق آن، عاقبت‌اندیشی و آمادگی برای آینده، تأمل در اتقان صنع و لزوم تفکر در احوال جهان، دوری از صحبت اهل دنیا و قناعت به داشته‌های دنیوی خویش و... به انسان توصیه می‌کند.

هویت اجتماعی انسان از نظر نظامی

باتوجه به این که انسان موجود اجتماعی و برای بقا نیازمند دیگران است؛ لذا بیشتر خصلت‌ها و خوبی‌های وی ناگزیر در حیات اجتماعی وی نیز تأثیرگذار خواهد بود. پس اگر کسی فروتن یا سخاوتمند نباشد، به خود زیان رسانده و در صورت دارا بودن این فضایل، بر خود فوایدی عاید کرده است؛ اما عادل یا ستم‌گر بودن همین شخص، علاوه بر سود و زیان برای خودش، اجتماع را نیز به سعادت یا شقاوت دچار خواهد کرد و از آن جا که انسان ناگزیر از زندگی اجتماعی است، و خلق‌های فردی او، در اجتماع هم تأثیر می‌گذارد؛ به همین دلیل ارسطو گفته: «سعادت هرکشور پیرو سعادت فرد است و بدین سبب فقط کشوری می‌تواند، بهتر و برتر از کشورهای دیگر به حساب آید که شاد باشد و درست زندگی کند. ولی نمی‌توان درست زیست؛ مگر آن که کارهای نیک انجام داد و فرد یا کشور، هیچ کدام نمی‌توانند کار نیک انجام دهند، مگر آن که، از فضیلت و خرد بهره‌مند باشند. دلیری، دادگری و خرد در مورد کشورها دارای همان معنی و جلوه است، که در مورد افراد نیز صادق می‌باشد» (ثروت، ۱۳۷۸: ۱۶۳).

هویت اجتماعی انسان، در واقع همان رفتار و کرداری است که فرد به هنگام ایجاد ارتباط با فرد ثالث یا جامعه از خود بروز می‌دهد. طبیعی است که، این کردارهای نیک، حاصل فضایی خواهد بود که نزد نظامی هم، محترم است. «نظامی معتقد است رفق و مدارا با رنج دیدگان، بنده نوازی، عدم تعدی و ستم‌گری، حفظ آبروی دیگران، عدم تعرض و طمع به مال دیگران، نان کسی را نبریدن، زیستن از قبل دسترنج شخصی و دست لطف بر سر زیر دستان کشیدن در روز قیامت موجب کسب شرف و آبروست» (دستگردی، ۱۳۳۵: ۱۳۵).

از نظر شاعر گنجه، انسان اشرف مخلوقات است و شرط ظهور این شرافت، در خدمت خلق بودن و کوشیدن در راه آسایش آنان است:

کوش تا خلق را به کار آیی تا به خلقت جهان بیارایی

(نظامی، ۱۳۸۷: ۵۵۵)

اما این خدمت باید همراه خوش خلقی باشد؛ به این منظور او پیشنهاد می‌کند: بهتر است آدمی چون گل زیبا باشد و بی‌هیچ توقعی، بوی خوش خود را در آفاق بپراکند و از بد خوئی بپرهیزد. زیرا هر کس صاحب هر خوئی باشد، هنگام مردن با همان خوی دنیا را ترک خواهد کرد.

هر که بدخو بود بود گه زادن
هم بر آن خوست وقت جان دادن
وانکه زاده بود به خوشخوئی
مردنش هست هم به خوشروئی
(همان، ۵۵۵)

البته فایده داشتن رفتار نیک، فقط منحصر به آخرت نیست؛ بلکه در همین جهان نیز سودمند است. زیرا اگر روزگار با آدم خوش خلق مدارا نکند، مردم به خاطر نیکی رفتار، یاریش می‌کنند.

بار همه می‌کش از توانی
بهر چه ز بار کش رهانی
تا چون تو بیفتی از سر کار
سفت همه کس ترا کشد بار
(همان، ۳۸۲)

احسان و نیکی در حق هم نوعان، موجب افزایش محبت می‌شود. در واقع محکم‌ترین وسیله ایجاد وفاداری در میان مردم، احسان و نیکی است؛ چرا که انسان محبت را درک می‌کند و بدان ارج می‌گذارد. محبت رشته نامرئی موجود در یک اجتماع سالم و سعادت‌مند است که باعث قوام فضیلت‌ها می‌شود. فارابی می‌گوید: «امری که موجب وحدت و ارتباط بین مراتب عقول است، به مانند محبت و صداقتی است که مردم را با یک دیگر ارتباط می‌دهد» (رزمجو، ۱۳۷۵: ۱۵۲).

نظامی برای اثبات حق‌شناسی انسان در قبال محبت، تأثیر آن را در حیوان بیان کرده و چنین نتیجه می‌گیرد که حتی انسان‌های غرق در رذایل که به مقام بهایم سقوط کرده‌اند؛ نیز در مجموع تحت تأثیر محبت قرار می‌گیرند:

احسان همه خلق را نوازد
آزادان را به بنده سازد
با سنگ چو سخا کند مجوسی
سنگ گربه شود به چابلوسی
(نظامی، ۱۳۸۷: ۴۵۸)

چون نظامی می‌داند، انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از انتخاب دوست است، تأکید می‌کند، در گزینش دوست باید محتاط بود تا با هم صحبتی نیک نامان، بتوان سرانجامی نیک پیدا کرد:

صحبتی جوی کز نکونامی
در تو آرد نکو سرانجامی
(همان، ۵۵۹)

شاعر تعادل جوی گنجه، حتی به نحوه برقرار کردن ارتباط با دیگران، حساسیت نشان داده و در آداب سخن گفتن که اولین و مهم‌ترین عامل در ارتباط‌های اجتماعی است، بر موقعیت‌شناسی، کم‌گویی، راست‌گویی، مفیدگویی و تسلیم شدن در برابر استدلال، هنگام سخن گفتن تأکید دارد.

به طور کلی، نگاه نظامی به هویت اجتماعی انسان دلیلی است، بر این که او در آرزوی اجتماعی بوده است که توسط خردمندان اداره شود؛ در حالی که فضای حاکم بر آن جامعه آکنده از عدل و داد و خرد ورزی و به دور از هر گونه ستم باشد، تا بتواند براحتی به نقطه آرمانی خود برسد. از این رو شاعر، در بعد اجتماعی زندگی انسان، بر عدالت بیش‌تر از هر فضیلتی توجه دارد.

عشق نظامی به دادگستری و اعتقادش به وجود جامعه خوشبخت، با حضور ساکنین عادل و خردمند آن، بیش‌تر از انتقادهای او از ستم‌گری و ستم‌پذیری هویداست. او معتقد است، به همان اندازه که عدل عامل پایداری حکومت‌هاست؛ ستم موجب ویرانی آن‌هاست؛ تا جایی که حتی مردم از تسخیر کشور خویش به دست بیگانه خشنود می‌شوند؛ زیرا

رهایی خویش را از چنگال ستم، در گرو حمله بیگانگان می‌دانند.

رسم ستم نیست جهان یافتن	ملک به انصاف توان یافتن
هر چه نه عدل است زیادت براد	و آنچه نه انصاف به بادت دهاد
عدل تو میریست جهان شاد کن	کسارگری مملکت آباد کن
مملکت از عدل شود پایدار	کار تو از عدل تو گیرد قرار

(نظامی، ۱۳۸۷: ۴۱)

نظامی با ترساندن ستم پیشگان، از مکافات اعمال‌شان و حساب و کتاب روز قیامت و یادآوری دادگری شاهان فقید، به دنبال این است که، ایشان را از چنین رذیلتی جدا کرده، به سوی عدالت سوق دهد.

نجات آخرت را چاره گر باش	در این منزل ز رفتن با خبر باش
کسی کو سیم و زر ترکیب سازد	قیامت را کجا ترتیب سازد

(همان، ۳۱۱)

البته، وی تنها ستم‌گری را نکوهش نمی‌کند؛ بلکه ستم‌پذیری، ساکت و تماشاگر بودن در برابر ستم را هم به همان اندازه بد دانسته و در شمار رذایل می‌آورد:

مشو خامش چو کار افتد به زاری	که باشد خامشی نوعی ز خواری
شنیدستم که در زنجیر عامان	یکی بود است از این آشفته نامان
چو با او ساختی نا بالغی جنگ	به بالغ تر کسی برداشتی سنگ
پرسیدند کز طفلان خوری خار	ز پیران کین کشی چون باشد این کار؟
به خنده گفت اگر پیران نخندند	کجا طفلان ستم کاری پسندند
چو دست از پای ناخشنود باشد	به جرم پای، سر مأخوذ باشد

(همان، ۲۰۱)

نظامی، شاهان را مسئول رعیت معرفی می‌کند و معتقد است اگر، آنان در برقراری عدالت سهل‌انگاری کنند؛ یا این که خود اهل بیداد باشند؛ نتیجه‌ای جز رواج بیدادگری، به هم ریختن سامان کشور، جسارت بیگانگان در اعمال نفوذ، فقر، گسیختن روابط محبت‌آمیز شاه و رعیت، نارضایتی از زندگی اجتماعی، افزایش فساد و فحشاء و صدها گرفتاری دیگر، نخواهد داشت. هر یک از این موارد به تنهایی کافی است تا حکومتی را از هستی ساقط کند. «در منظومه نظامی اساس اندیشه سیاسی، راستی و درستی شاه آرمانی است. وی در بسیاری از ابیات، پادشاه آرمانی را دارای فره ایزدی را کسی می‌داند که عادل باشد؛ در برابر گردش زمانه تدبیر به کار بندد و به ستمکاران یاری نرساند» (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

به طور کلی، آن چه بیان شد، راه کارهایی است که نظامی برای یافتن یک هویت اجتماعی والا به انسان ارائه می‌کند. این هویت والا در نهایت منتهی به شرافت نیکنامی می‌شود که البته به این سادگی‌ها هم به دست نمی‌آید و نیازمند کسب سجایای فراوانی است.

در واقع، این صفات هویت‌هایی ذهنی از انسان هستند که شاعر دوست دارد، به کمک‌شان جامعه‌ای دور از پلشتی‌ها و غرق در روشنایی‌ها را بسازد؛ جامعه‌ای که بستر مناسبی برای رشد و بالندگی انسان‌ها باشد.

جامعه آرمانی از نظر نظامی

از آنجا که سازندگان اصلی هر محیط، نخبگان و سردمداران آن جامعه و محیط هستند که برای ایجاد یک محیط تربیتی

مناسب و مساعد، به دنبال خلق الگوهای شایسته و نمونه و طرد نمونه‌های منفی و ناشایست در آن محیط هستند؛ پس بعید نخواهد بود، اگر ادعا کنیم که نظامی این همه هویت را خلق کرد تا بشر بتواند، با الگو قرار دادن شان، اجتماعی کامل، مطهر و به دور از رذیلت‌ها بسازد. «آلبرت بندورا (۱۹۷۸) که از واضعان نظریه یادگیری اجتماعی است، مهم ترین نوع یادگیری انسان را یادگیری مشاهده‌ای می‌داند که همان تقلید یا سرمشق‌گیری است. طوری که انسان در زندگی با انتخاب یک الگو به تقلید از رفتارهای وی می‌پردازد» (دپلمی، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

تصویر ایجاد برترین شهر، همیشه رؤیای دل‌نوازی بوده که اندیشه‌وران زیادی را مجذوب خود ساخته است. تاریخ در بین کهن‌ترین معماران شهر مذکور، نام افلاطون را بیشتر از بقیه در خور ستایش می‌داند. در حقیقت وقتی صحبت از «مدینه فاضله» می‌شود، نام افلاطون نیز در اذهان تداعی می‌گردد. «طرح مدینه فاضله در کتاب «جمهور» افلاطون بیش از هر بحث دیگری مورد توجه قرار گرفته؛ البته نه فقط از آن جهت که، این طرح جامع‌ترین طرح از یک مدینه خیالی از دنیاست؛ بلکه از آن جهت که در سرتاسر تاریخ فلسفه بیشتر آن چه که، متفکران نام‌آور در باب اخلاق و سیاست مدنظر داشته‌اند، در این طرح بیان گردیده است و تحت تأثیر عقاید افلاطون می‌باشد» (احمدنژاد، ۱۳۷۵: ۲۰۷).

نظامی نیز به عنوان یک شاعر برجسته، با همین روش الگوسازی توانسته، مدینه فاضله‌ای را متصور شود. او با ابتکاری که خاص خودش است، به خلق هویت‌هایی در آن پرداخته و با بیان خصوصیات انسان‌های ساکن در شهر ایده‌آلش، ایشان را به عنوان الگوی برتر در نوع خودشان، معرفی کرده است.

نظامی در «پنج گنج» خود از دو نوع مدینه سخن رانده است: یکی بد و رذیله و دیگری آرمانی و فاضله:

۱- مدینه رذیله

از دید نظامی در جوامع پست، صفات رذیله‌ای حاکم است که مانع رسیدن ساکنان آن به خوشبختی واقعی می‌شود. مردمانی که در مدینه غیر فاضله عمر سپری می‌کنند، با حسادت فراوان خود، چشم دیدن ترقی دیگران را ندارند و موجب آزار ایشان می‌شوند. چنین انسان‌هایی، زشتی را زیبایی و نقص را کمال معرفی می‌کنند و منفی‌باف و شرور هستند. در چنین جوامعی، به علت عدم امنیت حقوق فردی و اجتماعی مردم، دروغ‌های حاصل از حسادت، باعث نابود شدن هنرمندان والا مقام می‌شود. این جوامع وقیح و گستاخ هستند و سجایای اخلاقی در آن یک رذیله محسوب می‌شود. طبیعی است، که در این شرایط، نه تنها هنرمندان و دانایان مورد تشویق قرار نگیرند؛ بلکه بی‌هنران افسون‌گر در رأس بنشینند. وقتی معیار ارزش‌گذاری در یک جامعه، تصادف و شانس و اقبال باشد؛ روز به روز ذوق‌ها دچار انحراف شده و ارج اهل هنر مخفی می‌گردد. سیطره رذایل در جامعه پست، موجب بی‌شرمی اهل زمان نیز می‌شود؛ زیرا آن چه که مایه شرم و حیای مردمان است، از طریق احترام به فضیلت‌ها حاصل می‌شود؛ در حالی که فضل در جوامع این چنینی، جایی ندارد. نظامی در مقاله سوم «مخزن الأسرار» در وصف «مدینه رذیله» می‌گوید: دنیا از نیکان خالی شده است و آن چنان نامردمی وسعت گرفته که آدمی از ملاقات آدمی دوری می‌گزیند. گویی از آدمیان معرفت رخت بر بسته و انسان‌ها گم و گور شده‌اند. ظاهراً زمانه از عدل خالی و انسان چاره‌ای جز گوشه نشینی ندارد؛ زیرا با هر کس آمیزشی پیدا می‌کند، مصلحت را در نهایت، در گریختن از او می‌بیند (نظامی، ۱۳۸۷: ۴۵).

نظامی برای ساختن جامعه آرمانی مد نظر خود به نقد و نکوهش مدینه جاهله و رذایل موجود در آن نیز پرداخته است. او علاوه بر ستایش عشق پاک و عدل و انصاف، به نقد هوسبازی و قدرت‌طلبی برخی از شخصیت‌های داستان‌های خود پرداخته است. چنانکه بهرام گور و خسرو پرویز در ابتدای داستان، عاری از فضایل انسانی و آلوده به رذایل و خواهش‌های نفسانی هستند؛ ولی نظامی برای ساختن جامعه آرمانی خود این شخصیت‌ها را از طریق ارشاد و

راهنمایی زنان پالوده و این ضد قهرمانان را تبدیل به قهرمان ساخته است. «در تمام این داستان‌ها شاعر در عین آنکه عشق جسمانی را هر چند در بعضی لحظه‌ها به عنوان پلی به سوی یک عشق ماوراء می‌ستاید، باز در هر فرصت که می‌یابد بیدادی‌ها، کزروی‌ها و هوس‌بازی‌ها را که از جامعه عصر خودش یک نوع مدینه جاهله ساخته است، به باد طعن و انتقاد می‌گیرد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۲۰).

۲- مدینه فاضله

اوصاف «مدینه فاضله» نظامی را از ویژگی‌های هویت‌های ساخته شده در «پنج گنج» او می‌توان تشخیص داد. وی حوادث داستان‌ها را به گونه‌ای طرح ریزی می‌کند که هویت‌های مورد نظرش، به جامعه آرمانی برسند و در حقیقت با شناختن هویت قهرمانان «خمس» تصویر درستی از دنیای آرمانی شاعر به دست می‌آید.

از نظر نظامی بزرگ‌ترین فضیلت موجود در این جامعه، حکمت است. پس بیش‌تر ساکنان آن حکمت‌دوست و حکیم هستند. در نتیجه، حکومت در آن بر مبنای خرد صورت می‌گیرد. در چنین جوامعی، به خردمندی و پیروی از خرد تأکید می‌شود که ارزش گذاشتن به حکیمان و دانایان نیز برخاسته از همین مسأله است. اهالی آن برای حفظ نفس خویش و جلوگیری از تباہ شدن خردشان، از هم‌نشینی با جاهلان و بد گویان پرهیز می‌کنند. در رأس حکومتش، شاه و رهبری حکیم قرار دارد که ارجمندی خود را مدیون مشورت با رأی بلند حکیمان و خردمندان می‌داند. در چنین جوامعی عدالت برقرار است و به مناسبت گسترش عدل و رسیدگی به حال رعیت و آزادی بندگان و زندانیان، حکومت‌ها استقرار می‌یابند.

در اندیشه نظامی طبیعت دارای جوهر نیکی است و چون انسان جزئی از طبیعت می‌باشد، باید برخوردار از سرشتی نیک باشد؛ از این رو، وی اصلی‌ترین ویژگی جامعه آرمانی خویش را نیکی قرار داده است و حتی الگوهای پست انسانی هم در قصه‌های او تمایل به نیکی دارند. ولی به دلایلی از آن غفلت نموده‌اند که در نهایت با تلاش بی‌وقفه نظامی، در اثر حادثه‌ای، هوشیار گشته و هویتی نیک پیدا می‌کنند. «در طرح مدینه فاضله نظامی، نیروی خیال در خدمت عقل قرار گرفته است؛ البته نمی‌توان از تأثیر بسزای عواطف هم غافل شد؛ تا جایی که اگر انسان بتواند به کمک عقل و عاطفه راستین به طبیعت اصلی خود که نیکی است، باز گردد، خوشبخت خواهد شد. پس شهر نیکان نظامی شهریست که در طرح آن قوه مخیله در خدمت عقل و عاطفه و گاهی شاید، بیش‌تر در خدمت عاطفه قرار دارد» (احمدنژاد، ۱۳۷۵: ۲۱۱).

در بنای آرمان شهر، طبع آزمایی در شیوه‌های مختلف شعری به شاعر آرمان‌خواه گنجه، این امکان را داده تا، با رهایی از محدودیت دنیای جاهلان واقعی که در آن می‌زیست، تصویری از یک دنیای خالی از دروغ و ریا و عاری از جهل و فریب، در قلمرو شعر و افسانه و در پهنه آفاق خیالش بسازد. نظامی در شهر نیکی‌ها، توصیف هویت‌های داستان‌ها را در خدمت آرمان‌گرایی خود می‌گیرد تا جایی که گاهی حتی مرزهای واقعیت را پشت سر می‌گذارد و در جهت انتساب برترین حالات و ویژگی‌ها به قهرمانانش حرکت می‌کند؛ بدون این که منطق مانع کار او شود.

نظامی بعد از بیست و هفت سال تلاش برای نیل به چنین دنیایی، بالاخره در قصه پر گشت و گذار اسکندر، به مقصد نهایی خود می‌رسد و اسکندر و جامعه او را پادشاه و جامعه آرمانی می‌داند؛ زیرا او پادشاهی حکیم و عادل است و حکمت و عدل از ارکان اصلی جامعه آرمانی است. «مهم‌ترین ویژگی شهریار آرمانی در ذهن نظامی، عدل اوست و تار آرمانشهر وی با بود عدالت بافته شده است. عدالت و انصاف در اندیشه سیاسی نظامی جایگاه ممتازی دارد و یکی از دلایل برتری اسکندر بر دارا همین ویژگی است» (کرمی، ۱۳۸۷: ۱۹۳). از نظر نظامی انسان دارای هر مقامی باشد و در هر مرحله‌ای از تاریخ به سر برد؛ تا زمانی که از نیکی‌گریزان باشد و یا تظاهر به نیکی کند؛ یعنی دروغ بگوید و دروغ را مذمت کند، حرص ورزد و حرص را محکوم کند، ریاکار باشد و از ریا انتقاد کند. از افق‌های روشن شهر

آرامانی دور خواهد ماند. لذا او آرمانشهر خود را نه در عالم واقع و نه در عصر خود؛ بلکه در عالم خیال و در عصر اسکندر مقدونی یافت. «نظامی به دنبال سال‌ها پویه، «مدینه فاضله» ای را که عمر در جستجویش بود، در «اسکندرنامه»ی خویش کشف کرد؛ اما گنجه که، شهر بند غازیان و ریا کاران و گران جانان بود، از کشف مرزهای ناشناخته آن محروم ماند» (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۳۶).

نتیجه

قهرمانان داستان‌های نظامی، به مجسمه‌های از پیش ساخته می‌مانند که دست هنرمند او، با حوصله و دقت تمام، در کوره حوادث تاریخی گذاخته، و ماده مذاب را در قالب پیش فلسفی و اعتقادات دینی خاص خویش می‌ریزد. در همین مرحله با هنرمندی هر چه تمام، آب سردی چون حکمت را بر آن ریخته، منجمدش می‌کند و از آن مجسمه عظیم هویتی را به خوانندگانش ارائه می‌کند و قضاوت در موردشان را به عهده انسان‌های حقیقت‌جویی می‌گذارد که به دنبال رسیدن به یک هویت قابل قبول از آدمی هستند. نظامی از تمامی اندیشه‌های فلسفی، حکمی و کلامی خود، در ساختن این هویت‌ها بهره جسته است تا راه‌گزینی برای رهایی از محنت‌های جاری در حیات بشری، بیابد و چشم‌اندازی برای دنیای بهتر که در آن انسان بتواند، خود را از نابسامانی‌هایی که به خاطر افراط و تفریط در پاسخ گفتن به تمایلات آسمانی و زمینی خود گرفتارش ساخته، نجات دهد. هویت‌های داستانی او، از انجام هیچ کاری شانه خالی نمی‌کنند و هر رنجی را با جان و دل می‌پذیرند تا عالم انسانی را از این حقارتی که بدان دچار شده و همه در اثر عدم رعایت اعتدال در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست، برهانند و انسان را به مرتبه‌ای که در خور شأن والای اوست، عروج دهند. نظامی در تمام منظومه‌های خود، در پی جهانی فارغ از بی رسمی‌ها و پریشانی‌هاست که از نظر او فقط در سایه استقرار عدالت و حکمت چنین جامعه‌ای پدیدار خواهد شد؛ اما چون انسان‌ها عناصر سازنده اجتماع هستند؛ می‌بایست برای تحقق یک نظام احسن انسانی، یا حتی مقدمه نیل بدان، به تزکیه نفوس و تربیت ملکات وجدانی پردازند و از اموری که انسان را از حیطه تأثیر تربیت و اخلاق انسانی دور نگه می‌دارد، اجتناب کنند. همان اموری که قهرمانان داستان‌های او مثل «خسرو پرویز، بهرام گور و اسکندر»، گرفتارشان بودند، اموری که عامل غفلت ایشان از وصال به حقیقت وجودی‌شان شده بود؛ اما با تحولی که در هویت‌شان به واسطه بیداری‌شان از رؤیای فریبده‌ای که بدان خو کرده بودند؛ ایجاد شد، توانستند؛ به عابدی ره یافته، سالکی فنا شده در راه حقیقت و حتی حکیمی خردمند و پیامبری دین گستر بدل گردند. توجه نظامی به مسأله سیاست به عنوان عالی‌ترین میوه درخت حکمت، البته نه در معنای سیاست عملی صاحبان قدرت؛ بلکه در معنی اندیشه در جستجوی تأمین عدالت انسانی و سعی و تلاش در محقق ساختن سعادت فردی و جمعی، همواره وی را بر آن داشته تا تربیت اخلاقی انسان را در هر زمان و هر شرایطی ضروری بداند. در واقع سیاست دلخواه او به منظور نزدیک کردن نظام حیات بشری، به نظام احسنی که در کل عالم حاکم است؛ بوده و هر عملی را که مغایر با آن بوده، محکوم کرده است.

منابع

- ۱- احمدنژاد، کامل. (۱۳۷۵). تحلیل آثار نظامی گنجوی، تهران: انتشارات پایا، چاپ سوم.
- ۲- احمدی، احمد. (۱۳۸۴). آرمان شهر دینی در پهنه شعر فارسی، تهران: انتشارات معارف، چاپ اول.
- ۳- بری، مایکل. (۱۳۸۵). تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی، ترجمه جلال علوی‌نیا، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ۴- بیگدلی، غلامحسین. (۱۳۶۹). چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه‌ی نظامی، تهران: انتشارات

آفرینش، چاپ دوم.

۵- ثروت، منصور. (۱۳۷۸). *گنجینه حکمت در آثار نظامی*، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.

۶- ثروتیان، بهروز. (۱۳۷۶). *اندیشه‌های نظامی گنجوی*، تبریز: انتشارات آیدین، چاپ اول.

۷- ----- (۱۳۸۱). *هفت افسانه خیال انگیز در هفت پیکر نظامی گنجه‌ای*، تهران: انتشارات دستان، چاپ سوم.

۸- ----- (۱۳۶۹). *آیین غیب نظامی گنجه‌ای*، تهران: موسسه نشر کلمه، چاپ اول

۹- جودی نعمتی، اکرم. (۱۳۸۰). «زن در آیین شعر فارسی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۲، ص ۱۱۸-۱۳۵.

۱۰- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۴). *انسان در اسلام و مکاتب دینی*، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.

۱۱- حمیدیان، سعید. (۱۳۷۳). *آرمان شهر زیبایی*، تهران: انتشارات قطره، چاپ اول.

۱۲- دیلمی، احمد، و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۱). *اخلاق اسلامی*، تهران: انتشارات معارف، چاپ سوم.

۱۳- راشد محصل، محمدرضا، (۱۳۶۹). «عشق و اعتقاد در مخزن الاسرار»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی

فردوسی مشهد، شماره ۸۸ و ۸۹، ص ۸۷-۱۰۶.

۱۴- رنجبر، احمد، (۱۳۷۲). *اجتماعیات در ادبیات*، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.

۱۵- رزمجو، حسین. (۱۳۷۵). *انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر،

چاپ دوم.

۱۶- روح الامینی، محمود. (۱۳۷۹). *نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی*، تهران: آگاه، چاپ دوم.

۱۷- ----- (۱۳۶۵). *زمینه فرهنگ شناسی*، تهران: انتشارات عطار، چاپ اول.

۱۸- زرین کوب عبدالحسین. (۱۳۸۰). *با کاروان اندیشه*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.

۱۹- ----- (۱۳۷۷). *پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد*، تهران: انتشارات سخن، چاپ سوم.

۲۰- سعیدی سیرجانی، علی اکبر. (۱۳۷۷). *سیمای دو زن*، تهران: انتشارات پیکان، چاپ پنجم.

۲۱- طغیانی، اسحاق و حاتمی، حافظ. (۱۳۷۷). «رابطه اخلاق و ادبیات با رویگری به آثار نظامی گنجه‌ای»، پژوهشنامه

ادبیات تعلیمی، سال سوم شماره دهم، ص ۶۳-۸۲.

۲۲- علی اکبری، محمد. (۱۳۸۴). *هویت انسان*، تهران: انتشارات معارف، چاپ چهارم.

۲۳- فلاح، غلامعلی، ماهیار عباس، میرهاشمی سیدمرتضی. (۱۳۸۸). «تصویر دل در مخزن الاسرار نظامی گنجوی»، مجله

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، شماره ۶۵، ص ۴۷-۶۲.

۲۴- کرمی، محمدحسین، نوروزی، زینب. (۱۳۸۷). «اندیشه سیاسی ایرانشهری در اسکندرنامه نظامی»، نشریه دانشکده

ادبیات و علوم انسانی کرمان، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱)، ص ۱۷۶-۲۰۶.

۲۵- مولوی، محمد. (۱۳۷۴). *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد الین نیکلسون، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ چهارم.

۲۶- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۷). *خمسه نظامی با کشف الایات بر اساس چاپ مسکو*، باکو، تهران: انتشارات

هرمس، چاپ دوم.

۲۷- وحید دستگردی، حسن. (۱۳۸۰). *گنجینه گنجوی*، تهران: انتشارات مؤسسه علمی مطبوعات، چاپ پنجم.

۲۸- یونگ، کارل. (۱۳۸۵). *انسان در جستجوی هویت خویشتن*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: انتشارات جامی با

همکاری انتشارات گلبن، چاپ دوم.